



مسئولیت مدنی ناشی از نقض حقوق مالک اسرار تجاری

*دکتر محمد بهمنی

تاریخ دریافت: ۱۳۹۶/۰۲/۰۲ تاریخ پذیرش: ۱۳۹۶/۰۳/۱۶

چکیده

اسرار تجاری دسته‌ای ارزشمند از اموال فکری هستند که همانند اموال مادی نیازمند حمایت در برابر هرگونه تعرض و تجاوز اشخاص می‌باشند. این دسته از اموال به دلیل این که جنبه محرمانه دارند، به صورت ویژه باید حمایت شوند و نقض آن‌ها به دلیل همین محرمانگی دشوارتر و تعیین ضمانت اجرا برای ناقض پیچیده‌تر خواهد شد. اسرار تجاری به دو صورت قراردادی و غیرقراردادی مورد حمایت قرار می‌گیرند. این دسته از اموال فکری اصولاً به علت ویژگی سری آن به صورت قراردادی حمایت می‌گردند، اما در مواردی شخص ثالث به آن‌ها دست می‌یابد و از این راه ضرر فراوانی به مالک وارد می‌کند. در اینجا به علت عدم وجود رابطه قراردادی میان ناقض حق و مالک بحث مسئولیت مدنی ناقض مطرح می‌گردد که فرآیند احراز آن و چگونگی جبران خسارات وارده به مالک موضوع اصلی مقاله حاضر است.

واژگان کلیدی: اسرار تجاری، مسئولیت مدنی، مال فکری، رقابت غیرمنصفانه، قراردادهای محدود کننده.

مقدمه

یکی از مباحث مهمی که در حاضر در سطح بین‌المللی مطرح می‌شود، بحث حمایت از اسرار تجاری فعالان تجاری در برابر هرگونه نقض و افشای غیرمنصفانه می‌باشد. اسرار تجاری در حیطه حقوق مالکیت صنعتی مورد حمایت قرار می‌گیرند و بر خلاف سایر اموال فکری که دسته‌ای از حقوق انحصاری برای مالکانشان به ارمغان می‌آورند، فاقد این خصیصه هستند؛ به گونه‌ای که مالک سر تجاری همانند یک مالک معمولی استفاده از مال خود را دارد و فاقد هرگونه حق انحصاری است. به همین جهت، برخی از حقوقدانان این امر را مستمسک قرار داده و بیان داشته‌اند که عدم اعطای حقوق انحصاری به مالک سر تجاری باعث خروج آن از حیطه حقوق مالکیت فکری و حمایت‌های ویژه آن است. ^۱ به نظر می‌رسد که این دیدگاه قابل پذیرش نباشد. زیرا ملاک برای فکری حساب نمودن یک مال غیرمادی، برگرفتن آن از تراوش های ذهنی افراد است و صرف عدم اعطای حقوق انحصاری به مالک، دلیل بر عدم حمایت از آن مال تحت عنوان حقوق مالکیت فکری نمی‌باشد.

حمایت از اسرار تجاری، اصولاً از دو طریق صورت می‌گیرد. صورت اول که از آن به عنوان حمایت قراردادی یاد می‌شود، ناظر بر حمایت از اسرار تجاری در قالب قراردادهایی نظیر قرارداد استخدام، فروش، رازداری، عدم رقابت و مواردی از این دسته می‌باشد. در این حالت، مالک و طرف قرارداد روش‌های حفظ اسرار را تعیین می‌کنند و برای نقض آن ضمانت‌های اجرا پیش‌بینی می‌نمایند. حالت دوم که از آن به عنوان حمایت غیرقراردادی یاد می‌شود، ناظر به مواردی است که مالک سر تجاری فاقد رابطه قراردادی با دیگری بوده و یا این که با دیگری رابطه قراردادی داشته، اما مدت قرارداد به پایان رسیده است. در این مورد نیز قانونگذار دست یابی به اسرار تجاری را ممنوع می‌داند و قواعد عام مسئولیت مدنی می‌تواند ناظر به جبران خسارت به جهت دستیابی غیرمنصفانه به اسرار تجاری باشد. ^۱

آنچه در این پژوهش مورد بررسی قرار می‌گیرد، حالت دوم حمایت از اسرار تجاری است. به این صورت که اسرار تجاری اشخاص چگونه می‌توانند در فقدان رابطه قراردادی نقض شوند؟ و در صورت نقض، فرآیند جبران خسارات وارده به مالک اسرار تجاری حسب قواعد عام مسئولیت مدنی چگونه است؟ با این حال بدو مفهوم سر تجاری و مبانی حمایت از آن‌ها تبیین می‌گردد.

مقاله حاضر در سه گفتار تنظیم شده است. در گفتار اول مفهوم اسرار تجاری و مبنای حمایت از آن ها مورد بررسی مختصر قرار می‌گیرد. در گفتار دوم صور نقض غیر قراردادی اسرار تجاری تحلیل می‌شود و نهایتاً در گفتار سوم مسؤلیت مدنی ناقض و فرآیند جبران خسارت مورد ارزیابی قرار خواهد گرفت.

گفتار اول- مفهوم اسرار تجاری و مبنای حمایت از آن ها

در این گفتار ابتداء، تعاریف ارائه شده از سر تجاری در سیر مطالعه تطبیقی مورد بررسی قرار خواهد گرفت و متعاقباً علل حمایت از این دسته از اموال فکری ارزشمند مورد تحلیل واقع خواهد شد.

بند اول- بررسی مفهوم و ماهیت اسرار تجاری

در حوزه مفهوم اسرار تجاری، اصولاً در مواردی قانونگذاران کشورها خود مبادرت به ارائه تعریف از اسرار تجاری نموده‌اند و در مواردی هم دیده می‌شود که این مهم را به عهده اندیشه های حقوقی یا رویه قضایی گذاشته‌اند.

نظام حقوقی ایالات متحده در زمینه اسرار تجاری از قوام و سابقه قابل توجهی برخوردار است. مهمترین قانونی که در حقوق آمریکا به این موضوع می‌پردازد، قانون یکنواخت اسرار تجاری^۱ است که در ماده (۴) ۱ به تعریف اسرار تجاری اشاره نموده است:

«راز تجاری» به معنای اطلاعاتی است که شامل فرمول، الگو، فراگرد، برنامه، ابزار، شیوه، فن یا فرآیند می‌شود که:

۱- دارای ارزش اقتصادی مستقل بالقوه یا بالفعل است. از این جهت که عموماً ناشناخته است و به راحتی قابل دستیابی (احراز) از طرق قانونی به وسیله اشخاصی نیست که از استفاده یا افشای آن می‌توانند ارزشی اقتصادی تحصیل کنند.

۲- موضوع تلاش هایی است که با توجه به اوضاع و احوال برای حفظ محرمانگی متعارف است.^۲

در حقوق فرانسه، تعریفی از اسرار تجاری در قوانین موضوعه وجود ندارد. از لحاظ اصطلاحی، واژگان « Secret Commercial » و « Secret d'affair » معادل راز تجاری هستند. برخی نیز اصطلاح « Secret-industriel » را به کار می‌برند.^۳ اما آنچه در رویه قضایی و دکترین مورد توجه و تفسیر قرار دارد، اصطلاحات «Savoir faire» معادل «Know-how» به معنای دانش فنی و «Secret de fabrique» به معنای اسرار تولید می‌باشد.^۴ از نگاه رویه قضایی، اصطلاح دانش فنی، به اطلاعات محرمانه در زمینه‌های کسب و کار، اداری و مالی و سایر اطلاعاتی اطلاق می‌شود که عملاً در فعالیت‌های شرکت یا بنگاه‌های تجاری کاربرد دارد. اسرار تولید نیز، به هر نوع روش تولید و ساخت صنعتی (و نه روش های تجاری و اداری) تعبیر می‌شود که منفعتی تجاری برای دارنده خود دارد که آن را از رقبا پنهان کرده است. آگاه مفهوم اسرار تولید و دانش فنی، با یکدیگر خلط شده است و برخی دانش فنی را شامل اسرار تولید می‌دانند، اما رویه قضایی، همواره بر تمایز میان آن ها پای فشرده است: «می‌توان گفت، اگرچه خصیصه مشترک آن ها، راز بودن هر دو است، اما اگر اسرار تولید چیز دیگری جز دانش فنی نباشد، دانش فنی لزوماً اسرار تولید محسوب نمی‌شود». زیرا قلمرو دانش فنی، محدود به امور صنعتی نبوده و شامل اسرار کسب و کار، مالی و اداری نیز می‌شود. مطابق رویکرد دیوان عالی کشور فرانسه^۲ اطلاعات هنگامی اسرار تجاری به شمار می‌آیند که تا حدودی از اصالت برخوردار بوده، دارای ارزش عملی باشند و سایر رقبا از آن مطلع نباشند.

در حقوق انگلستان، اسرار تجاری تحت عنوان کلی «اطلاعات محرمانه»^۳ مورد توجه و حمایت هستند. از نظر اصطلاحی و قلمرو مفهومی، نوعی آشفتگی در ادبیات حقوقی انگلیس مشاهده می‌شود. در نظر برخی، اصطلاح راز تجاری بیشتر ناظر به اطلاعات محرمانه با ارزش بالا از جمله اسرار علمی و فنی است.^۴ در مقابل، بعضی بر این باورند که اسرار تجاری نه تنها اطلاعات فنی، بلکه اطلاعات با ماهیت تجاری از جمله فهرست مشتریان را نیز، در بر می‌گیرد.^۵ از برخی آراء صادره از محاکم نیز، چنین بر می‌آید که اسرار تجاری، محدود به اطلاعات فنی ارزشمند نیست. هر چند تعریف صریحی از اسرار تجاری در رویه قضایی نیامده است، ولی می‌توان با توجه به آرای صادره، تعریفی از آن ارائه داد. منظور از راز تجاری اطلاعاتی تجاری است که عموماً به صورت پنهانی نگاه داشته می‌شوند و وقوف عمومی نسبت به آن ها وجود ندارد و دارنده با ظنی متعارف و با توجه به اوضاع و احوال، معتقد است استفاده یا افشای اسرار مذکور، سبب ورود ضرر به وی می‌شود.^۱

در حقوق ایران نیز ماده ۶۵ قانون تجارت الکترونیک، به تعریف اسرار تجاری الکترونیکی پرداخته است:

«اسرار تجاری الکترونیکی داده پیمایی است که شامل اطلاعات، فرمول‌ها، الگوها، نرم‌افزارها و برنامه‌ها، ابزار و تکنیک ها و فرآیندها، تألیفات منتشر نشده، روش‌های انجام تجارت داد و ستد، فنون، نقشه‌ها و فراگردها، اطلاعات مالی، فهرست مشتریان،

طرح‌های تجاری و امثال این‌ها است که به‌طور مستقل دارای ارزش اقتصادی بوده و در دسترس عموم قرار ندارد و تلاش‌های معقولانه‌ای برای حفظ و حراست از آن‌ها انجام شده است».

در بعد بین‌المللی هنوز معاهده‌ای که مشتمل بر جوانب مختلف موضوع اسرار تجاری باشد، شکل نگرفته است، اما بند ۲ ماده ۳۹ موافقت‌نامه تریپس، اسرار تجاری را در ذیل عنوان «اطلاعات افشان شده»^۲ به مفهوم اطلاعاتی می‌داند که:

اولاً، به‌طور کلی یا در ترکیب‌بندی دقیق و مجموعه اجزای تشکیل‌دهنده، سری هستند و عموماً ناشناخته بوده و برای اشخاصی که در حیطه‌ای هستند که معمولاً با اطلاعاتی از این دست سروکار دارند، به‌سادگی قابل دستیابی نمی‌باشند.

ثانیاً، به واسطه راز بودن، ارزش تجاری دارند.

ثالثاً، موضوع اقدامات به‌منظور حفظ محرمانگی از جانب شخصی هستند که قانوناً اطلاعات را در اختیار دارد و با توجه به اوضاع و احوال، متعارف محسوب می‌شود.

در ترمینولوژی حقوق اروپایی، از اسرار تجاری به «اطلاعات تجاری یا صنعتی»^۳ و اطلاعات موضوع «رازداری تجاری و حرفه‌ای» تعبیر شده است، بی‌آن‌که تعریفی از آن ارائه گردد. اما در بند (ط) از ماده ۱ معاهده اروپا، اسرار تجاری، معادل اصطلاح دانش فنی شمرده شده که مقصود از آن، مجموعه‌ای از اطلاعاتی است که حاصل تجربه بوده و اختراع به‌شمار نمی‌آیند و «محرمانه، اساسی و معین و مضبوط هستند». منظور از اساسی بودن، مفید بودن اطلاعات در تولید کالا یا ارائه خدمات است و مقصود از معین بودن نیز، آن است که اطلاعات از جانب دارنده، محرمانه توصیف و تحت همین عنوان، نگاه‌داری می‌شوند و این توصیف به‌نحوی است که ارزیابی وجود اوصاف محرمانگی و اساسی بودن را، مقدور می‌سازد.^۱

با دقت در تعاریف ارائه شده، می‌توان عناصر مؤثر در تعاریف مشترک و شناسایی مفهوم اسرار تجاری را مشخص نمود. این عناصر از این‌قرار هستند: اطلاعات، ارزشمند بودن، حفظ محرمانگی، ناشناخته بودن و قابل دست‌یابی یا احراز نبودن.

راز تجاری، ماهیتاً مجموعه‌ای از اطلاعات است که دارای ارزش اقتصادی است. در واقع، اسرار تجاری گاه نقش کالای سرمایه‌ای ارزشمندی را دارد که جایگاه مهمی در سوددهی شرکت‌ها یا بنگاه‌ها دارد.^۲ اسرار تجاری سبب تولید محصولات یا ارائه خدماتی می‌شود که مشتریان در ازای آن پول پرداخت می‌کنند یا به‌طریقی دیگر، وجود آن ممکن است سبب کاهش هزینه‌های تولید شود که به‌هرحال بیانگر ارزش اقتصادی آن است.^۳ اسرار تجاری علاوه بر ارزش مستقل، ممکن است مزایای رقابتی برای دارنده خود فراهم آورند، بدین معنی که راز تجاری، دارنده را از لحاظ رقابتی در موضع قوی‌تری نسبت به رقیب خود قرار می‌دهد که وقوفی نسبت به چنین اطلاعات محرمانه‌ای ندارند.

عنصر سوم در شناخت اسرار تجاری، عدم شناخت عمومی اطلاعات است. حیات اسرار تجاری در گرو محرمانگی است، به‌صورتی که اگر فاش شوند و در دسترس عموم قرار گیرند، ارزش خود را از دست می‌دهند. مطابق این رویکرد ممکن است راز تجاری «امروز باشد و فردا نباشد»؛ زیرا به‌محض علنی شدن، اطلاعات ارزش خود را از دست می‌دهند.^۱ معیار دقیق و روشنی که نشان‌دهنده ناشناخته بودن اطلاعات باشد، وجود ندارد. در اغلب دعاوی تصریح شده که اگر اطلاعات در دسترس عموم باشد یا در تجارتی که به‌کار گرفته می‌شود عموماً شناخته شده باشد، راز تجاری به‌شمار نمی‌آید. اما این امر بدان معنا نیست که راز زمانی عموماً شناخته شده است که همه اشخاص از آن مطلع باشند و منحصراً دارنده‌ای خاص باید از آن بهره‌برداری کند. بلکه ممکن است چند شخص از آن استفاده کنند و با وجود آن در آن تجارت آگاهی عمومی نسبت به آن وجود نداشته باشد.

اسرار تجاری نباید به‌سادگی قابل دست‌یابی یا احراز باشند. راز تجاری زمانی به‌راحتی قابل دستیابی یا احراز نیست که اشخاص برای تحصیل آن ناگزیر باشند به‌اعمال فریب‌کارانه و متقلبانه روی آورند.^۲ علاوه بر مفهومی که آمد، اگر با ملاحظه و آزمایشی ساده و با صرف مقدار کمی وقت و هزینه بتوان اطلاعات را تحصیل نمود، دارنده اطلاعات نمی‌تواند خواستار اعمال حمایت‌های قانونی در خصوص اسرار تجاری شود. در رویه قضایی آمریکا نیز تأکید شده است که اگر موضوع با ملاحظه و بررسی معمولی قابل احراز باشد، اطلاعات، اسرار تجاری به‌شمار نخواهند آمد.

افزون بر موارد فوق، دارنده باید اقدامات متعارفی را در حفظ محرمانگی اسرار تجاری ترتیب دهد. صرف اظهار دارنده مبنی بر آن که اطلاعات، اسرار وی هستند، سبب نمی‌شود تا اطلاعات واجد چنین وصفی شوند. بلکه دارنده باید تمایل آشکار خود را در سری نگاه داشتن آن‌ها ابراز دارد. تفصیل حدود متعارف اقدامات دارنده در رازپوشی به‌سه‌عامل ماهیت اسرار تجاری، حجم اقتصادی و مادی فعالیت دارنده و سابقه علنی شدن اطلاعات محرمانه بستگی دارد.^۱

طیف مصادیق اسرار تجاری بسیار گسترده است و احصای آن خصوصاً به واسطه نهن‌داری اطلاعات، امر دشواری است. با این حال، مصادیق اسرار تجاری را می‌توان به اطلاعات علمی و فنی، اطلاعات کسب و کار (تجاری)، اطلاعات مالی، اطلاعات سازمانی، فراگردها، ایده‌ها و اطلاعات رایان‌های، تقسیم کرد.

بند دوم- مبانی حمایت از اسرار تجاری

مبنای حمایت اعم از حمایت قراردادی و غیرقراردادی از اسرار تجاری، همانند سایر اموال می‌تواند در قالب قاعده احترام مال قرار گیرد و مقصود از آن مصونیت اموال مردم از تجاوز و تعدی و نگه داشتن احترام مال آنان است.^۲ با این حال علاوه بر قاعده کلی فوق، دلایلی ویژه حمایت از اسرار تجاری را توجیه می‌نماید. این دلایل که برخی جنبه عمومی دارند، صرف نظر از ایرادهای برخی از نویسندگان ناظر بر اصل حمایت از اسرار تجاری می‌باشد. توضیح این‌که برخی معتقدند حسب اصل جریان آزاد اطلاعات، مردم باید به اطلاعات دسترسی داشته باشند و حمایت از اسرار تجاری ضمن تأثیر نامطلوب بر ارتقای سطح نوآوری، در نهایت اصل رقابت آزاد را در نطفه خفه می‌نماید.^۳ این ادعا به ظاهر درست می‌باشد، اما ذکر دلایل حمایت از اسرار تجاری می‌تواند این ادعا را در مبدا از حرکت باز دارد. این دلایل به شرح ذیل هستند.

مورد اول- ترغیب خلاقیت

تقریباً تمام اسرار تجاری از ویژگی نو و مبدعانه برخوردارند و برای تحصیل آن‌ها تلاش‌های فراوانی شده است. حمایت از این دسته از اطلاعات ارزشمند، انگیزه‌های لازم را برای پدیدآورندگان آن به منظور خلق مجدد افزایش می‌دهد و زمینه‌های داشتن امنیت لازم برای سرمایه‌گذاری را فراهم می‌آورد. در دعوی Kewanee Oil Cov Bicon Corp^۱ که در دادگاه بخش رود آیلند مطرح شد دادگاه به صراحت بر حمایت از اسرار تجاری بر مبنای فوق‌الذکر تأکید نموده است و ترغیب به خلاقیت را از جهات مهم حمایت دانسته است. لازم به ذکر است که این دلیل در حمایت از سایر اموال فکری نظیر اختراعات و یا طرح‌های صنعتی هم قابل طرح است.

مورد دوم- ممانعت از رویه‌های ضد رقابتی

در اقتصاد امروز اصل بر رقابت آزاد میان فعالان تجاری و اقتصادی است. این اصل مقتضی آن است که هر کس در گستره بازار آزاد رقابتی می‌تواند با رعایت قواعد قانونی وارد شبکه تولید و توزیع شده و با ارائه کالاها و خدمات بیشتر، تلاش هر چه مضاعف برای جلب مشتری نماید. حقوق رقابت، ناظم اصلی این رویه‌های بازاری است و در عین تنظیم و ممانعت از ایجاد انحصار سعی بر آن دارد تا از رویه‌ها و رقابت غیرمنصفانه جلوگیری نموده و اشاعه دهندگان و مرتکبان آن را مجازات نماید. یکی از مهمترین مصداق‌های جلوگیری از رقابت غیرمنصفانه و ناعادلانه جلوگیری از سوءاستفاده از اسرار تجاری از طریق تحصیل متقلبانه آن‌ها می‌باشد.^۲ در صورتی که رقبا بتوانند به هر طریقی از اسرار تجاری رقیب خود آگاه شوند، می‌توانند با پیش‌بینی آینده کاری رقیب خود، به راحتی اقداماتی را به عمل آورند که باعث جلوگیری از ایشان و حذف رقیب مقابل و در نهایت ورود ضرر به مالک اسرار تجاری شود. به نظر می‌رسد که قانونگذار ما با لحاظ این دلیل در مورد اسرار تجاری در بستر فضای مجازی اقدام به وضع ماده ۶۴ قانون تجارت الکترونیک نموده که اشعار می‌دارد:

«به منظور حمایت از رقابت‌های مشروع و عادلانه در بستر مبادلات الکترونیکی، تحصیل غیرقانونی اسرار تجاری و اقتصادی بنگاه‌ها و مؤسسات برای خود و یا افشای آن برای اشخاص ثالث در محیط الکترونیک جرم محسوب و مرتکب به مجازات مقرر در این قانون خواهد رسید.»

البته مقرر فوق‌الذکر تنها در مورد اسرار تجاری الکترونیکی حاکم است. اما به نظر می‌رسد مبنای آن قابل تسری به تمام مصادیق اسرار تجاری باشد که به موجب این قاعده تحصیل و سوءاستفاده از اسرار تجاری متعلق به دیگری، سبب نقض قواعد حقوق رقابت و گسترش عدم امنیت و ثبات در معاملات می‌گردد.

مورد سوم- حق اشخاص بر اسرار خود

تمام اشخاص، دارای حق بنیادین نسبت به اسرار تجاری خود می‌باشند که به استناد آن، حق نظارت بر انتقال، فروش، استفاده و ممانعت از هر گونه سوءاستفاده تجاری و اقتصادی و افشای غیرمجاز را دارند. این حق، شبیه به حق مالکیت است، اما تفاوت آن با حق مالکیت آن است که ایرادهایی نظیر لزوم مادی بودن موضوع مالکیت را در خود ندارد. لذا، در صورتی که هر شخص بتواند به راحتی به اسرار تجاری دیگری دست یازد، این حق بنیادین وی مورد نقض قرار می‌گیرد و دیگر جایی برای اعمال این حق باقی نمی‌ماند. چه، سری که افشاء شود مالیت خود را از دست داده است و همه می‌توانند به راحتی از آن استفاده نمایند، بدون این که بتوانند مانع یکدیگر در تجاری سازی شوند. البته برخی از نویسندگان معتقدند آن دسته از مصادیق اسرار

تجاری مال تلقی می‌شوند که برداشتن سایه حمایتی قانون و اجازه دسترسی آزاد به آن‌ها معادل جواز تجاوز به حقوق مالکیت و به بیانی صریح‌تر ائتلاف مال دیگران باشد. (به نظر می‌رسد این دیدگاه صحیح نباشد، زیرا اسرار تجاری همواره ارزشمند است و به دارنده آن مزیت رقابتی برتر می‌دهد و همین ارزشمندی به طور ضمنی دلالت بر مالیت داشتن سر تجاری می‌نماید؛ وانگهی همچنان‌که برخی نویسندگان به درستی اذعان داشته‌اند، در علم اقتصاد به جای لفظ مال از اصطلاح ارزش و به جای لفظ مالیت از اصطلاح ارزشمندی استفاده می‌نمایند. (بنابراین، باید اظهار نظر نمود که در گستره اسرار تجاری، مالک حقوق شبه مالکیت را بر مال خود دارد و می‌تواند هر تصرف مادی و حقوقی نسبت به آن اعمال نماید.

مورد چهارم- منع دارا شدن بلاجهت

یکی دیگر از دلایلی که برای حمایت از اسرار تجاری می‌تواند مورد نظر قرار گیرد، قاعده عقلی منع دارا شدن بلاجهت است. توضیح این که در صورت پذیرش مالیت اسرار تجاری به عنوان یک مال مستقل و ارزشمند، هر گاه کسی بدون احراز هر یک از اسباب ذکر شده در ماده ۱۴۰ قانون مدنی بر این اسرار استیلا یابد و در آن‌ها تصرف نماید، به صورت ناعادلانه بر آن‌ها مستولی شده است و در صورت وضع ید ضامن بوده و باید اجرت المثل منافع استیفاء شده را به مالک آن بپردازد. البته این امر در صورتی اتفاق می‌افتد که شخص ثالث بدون اذن بر این اسرار دست یافته باشد وگرنه هنگامی که شخص خود مبادرت به آفرینش این دسته از اموال فکری ارزشمند نماید، حسب قاعده حیات، دارنده تلقی شده و می‌تواند انحاء تصرفات مادی و حقوقی را در سر تجاری خود به عمل آورد.

حسب آن چه ذکر گردید می‌توان دریافت حمایت از اسرار تجاری امری لازم و ضروری به نظر می‌رسد و نظر کسانی که بر عدم امکان حمایت از این دسته اموال فکری ارزشمند به استناد اصل دسترسی آزاد به جریان اطلاعات استدلال می‌نمایند، موجه نمی‌باشد. می‌توان گفت پذیرش نظر به لزوم حمایت از اسرار تجاری به عنوان مال، چه در قالب حمایت‌های قراردادی، چه حمایت‌های غیرقراردادی، منافع بسیاری در جهت رشد اقتصادی جامعه در بر دارد و مضرات اندکی را که منتقدین حمایت از اسرار تجاری مطرح می‌نمایند، رفع می‌کند.

گفتار دوم- فرآیند نقض غیر قراردادی اسرار تجاری و مسئولیت مدنی ناقض آن

در گفتار پیشین به بحث ضرورت حمایت از اسرار تجاری اعم از حمایت قراردادی و غیرقراردادی پرداخته شد. آنچه در این پژوهش مورد نظر است حمایت غیرقراردادی و مسئولیت مترتب بر نقض آن است. همان‌گونه که گفته شد اسرار تجاری می‌توانند به دو صورت نقض گردند. حالت اول که ناظر به وجود نقض به وسیله طرف قرارداد بود و حسب آن طرف قرارداد با مالک سر تجاری، مانند کارگر، بر خلاف مفاد قرارداد و به صورت غیرمنصفانه مبادرت به افشای جزئی یا کلی اسرار تجاری می‌نماید. حالت دوم ناظر به افشای اسرار تجاری توسط شخص ثالث یا طرف قرارداد سابق می‌باشد. (در حالت اول، قرارداد، قانون طرفین برای حمایت از اسرار تجاری و تعیین ضمانت اجرای نقض است. اما در حالت دوم، تنها قواعد عام مسئولیت مدنی مقتضی اصل بلاجبران نماندن خسارات وارد به اشخاص است. دو صورت مذکور ذیل بررسی می‌شود.

بند اول- نقض به وسیله طرف قرارداد سابق

شایع‌ترین نوع نقض غیرقراردادی را می‌توان ناظر به نقض توسط کسی دانست که سابقاً با مالک سر تجاری قراردادی مبنی بر عدم افشاء داشته، اما مدت قرارداد تمام شده است و با توجه به اتمام رابطه قراردادی، الزامی به حفظ اسرار تجاری ندارد. نمونه بارز و تقریباً یگانه این نوع نقض را می‌توان در قالب قراردادهای کار دانست که طی آن کارگر به دلیل ضرورت‌های انجام کار باید از اسرار تجاری آگاه و متعهد به حفظ آن‌ها باشد، اما پس از پایان قرارداد کار و خروج وی این الزام از دوش وی برداشته می‌شود. حال در وهله اول این سؤال مطرح است که چرا باید فردی را که رابطه قراردادی‌اش تمام شده است و دیگر الزامی به حفظ اسرار تجاری ندارد و تقلبی هم برای تحصیل اسرار مرتکب نشده است، ضامن دانست؟ در پاسخ باید اذعان داشت که شرکت‌ها اصولاً هزینه‌های زیادی را برای تحقیق و توسعه خود انجام می‌دهند تا از این طریق به اطلاعات تجاری ارزشمند دست یابند؛ لذا سعی می‌نمایند تا تمهیداتی را فراهم آورند که پس از پایان رابطه استخدامی و خروج کارگر، وی نتواند با پیوستن به شرکت رقیب، اسرار تجاری را افشاء نماید. تمام این تلاش‌ها در قالب‌های قراردادی مثل قرارداد عدم آشکاری سازی یا قرارداد عدم رقابت^۲ می‌گنجد. اصولاً قوانین موضوعه به هیچ وجه کارگر را از رقابت با کارفرمای سابق پس از پایان قرارداد منع نمی‌نماید؛ پس همان‌گونه که می‌بینیم افشای سر پس از پایان قرارداد، جز در صورت وجود قرارداد محدودکننده، مسئولیتی را از لحاظ مدنی برای کارگر پیشین به بار نمی‌آورد.

به نظر می‌رسد از این ظاهر اغواءکننده باید گذشت و با نگاهی اجتماعی‌تر به قضیه نگریست. ضروری که به کارفرما به علت افشای اسرار تجاری به وسیله کارگر سابق وارد می‌شود، نمی‌تواند علی‌القاعده یک ضرر متعارف و غیرضمان‌آور باشد.^۳ در

این راستا به نظر ما استفاده از اسرار تجاری کارفرما به وسیله کارگر سابق می‌تواند تحت عنوان قاعده تسبیب، ضمان آور باشد. در این راستا صرف افشای اسرار سابق می‌تواند تقصیر تلقی گردد و در صورتی که از این راه خساراتی نظیر کاهش میزان فروش کالا تحقق یابد، می‌توان کارگر سابق را مسؤول جبران خسارات وارد دانست. شبیه این مورد را می‌توان در رأی *Astro -Med Inc v. Plant* که توسط دادگاه بخش ایالت کالیفرنیا آمریکا صادر شده، مشاهده نمود. در این رأی کارگری متخصص پس از پایان قرارداد کار و جدایی از کارفرمای خود، قیمت پیشنهادی وی (کارفرما) را برای شرکت در یک مناقصه به خاطر سپرده و پس از انعقاد قرارداد کار با کارفرمای دیگر که رقیب کارفرمای پیشین او بوده، آن قیمت را به کارفرمای جدید خود اعلام می‌نماید و باعث پیروزی وی در مناقصه می‌شود. دادگاه با تأکید بر وظیفه رازداری کارگر، نهایتاً عمل وی را مصداق بارز سوء استفاده از اسرار تجاری (سوء استفاده از حق) دانست و رای به پرداخت ۳۱۲۰۰ دلار به نفع کارفرمای پیشین داد.^۱

در این رأی به نظر می‌رسد که دادگاه کارگر سابق را علیرغم نبود قرارداد بین او و کارفرمای سابق، مکلف به رعایت اسرار و افشای سر را به وسیله ایشان مصداق سوء استفاده از حق دانسته است. اما با این حال به هیچ‌وجه کارگر را مکلف به کار نکردن برای رقیب کارفرمای پیشین او ندانسته و اصل آزادی در انتخاب شغل را برای او نادیده نگرفته است.

نکته‌ای که در نهایت باید اشاره نمود، قرارداد، محدودکننده‌ای است که کارفرما یا کارگر برای مدت پس از پایان قرارداد کار می‌نویسند. مثال آن را می‌توان موردی دانست که طی آن کارفرما با کارگر در قرارداد توافق می‌نمایند که کارگر پس از پایان قرارداد کار نمی‌تواند در شرکت رقیب استخدام شود و یا نمی‌تواند ذره‌ای از اسرار تجاری را افشاء نماید و یا رقابتی مشابه رقابت کارفرمای خود انجام دهد. نسبت به این موارد باید اذعان داشت که حمایت‌های مذکور جنبه‌ی قراردادی دارند و از آنجا که ضمانت‌های اجرائی نقض آن در همان قرارداد کار یا قرارداد مستقل دیگری پیش‌بینی می‌شود، موضوع بحث پژوهش حاضر قرار نمی‌گیرد.

بند دوم- نقض به وسیله شخص ثالث

منظور از شخص ثالث کسی است که به هیچ‌وجه با مالک اسرار تجاری رابطه قراردادی نداشته است و حتی در مواردی او را نمی‌شناسد، اما به دلایلی منصفانه و یا غیرمنصفانه به اسرار تجاری دست می‌یابد و آن را مورد استفاده و یا حتی به صورت عمومی افشاء می‌نماید.^۲ افشای اسرار تجاری به وسیله ثالث بستگی به آگاهی یا عدم آگاهی او به محرمانگی سر تجاری دارد. در این راستا آگاهی شخص ثالث نسبت به محرمانگی و یا عدم محرمانگی سر تجاری می‌تواند در مسؤولیت او تأثیرگذار باشد.

در صورتی که ثالث به محرمانگی و به عبارتی دیگر به سر بودن اطلاعات آگاهی داشته باشد و مبادرت به افشاء و یا رقابت تجاری با مالک سر تجاری نماید، می‌توان او را از لحاظ مدنی مسؤول دانست و جبران کلیه خسارات وارده را از او خواستار شد. آگاهی شخص ثالث را نسبت به محرمانگی سر تجاری می‌توان به طرق مختلفی احراز نمود. وی ممکن است اطلاعات را از مالک سرقت کرده باشد و یا به صورت غیر منصفانه و با تبنانی مستخدمان وی آن اطلاعات را تحصیل نموده باشد و یا حتی به صورتی کاملاً اتفاقی به آن اطلاعات دست یافته باشد، در حالی که به سر بودن آن ها آگاهی دارد.

در حقوق آمریکا به استناد پاراگراف سی بند ۲ ماده ۱ قانون اسرار تجاری، در موارد مذکور شخص ثالث مکلف به رازداری و عدم افشای اطلاعات می‌باشد و حق ندارد آن اطلاعات را در اختیار کسی قرار دهد. حتی همان‌طور که برخی از نویسندگان اذعان داشته‌اند، شخص ثالث حتی حق رقابت با مالک را بر مبنای اسرار تجاری کشف‌شده ندارد.^۱ مبنای تعهد شخص ثالث در این موارد به رازداری و عدم افشاء، قواعد انصاف می‌باشد. به بیانی دیگر قواعد انصاف ایجاب می‌نماید که شخص ثالث از افشای اسرار تجاری خودداری نماید وگرنه خلاف رویه‌های تجاری عمل نموده است و از این جهت می‌تواند ضامن تلقی گردد.^۲

در حقوق ایران در این حوزه تا به حال بحثی صورت نگرفته است و مبنای مسؤولیت ثالثی که ضمن آگاهی از محرمانگی اسرار تجاری کشف‌شده آن ها را افشاء نموده و یا خود به وسیله آن ها وارد رقابت می‌شود، مشخص نشده است. به نظر می‌رسد در این موارد بتوان شخص ثالث آگاه را حسب قواعد عام مسؤولیت مدنی و تحت عنوان قاعده تسبیب مسؤول دانست؛ زیرا شخص ثالث با افشای اسرار تجاری باعث زوال مالیت سر تجاری می‌شود و از این طریق باعث بر باد رفتن تمام زحمات مربوط به تحقیق و توسعه تولید آن اطلاعات ارزشمند شده است. همچنین در صورتی که آن اطلاعات را افشاء ننماید، اما با تجاری‌سازی آن اطلاعات، سعی در تولید کالا و یا ارائه خدمات مبتنی بر سر تجاری نماید، در این صورت هم به علت ورود ضررهایی نظیر کاهش میزان فروش مسؤول تلقی خواهد شد.

نکته‌ای که ذکر آن ضروری به نظر می‌رسد احراز اسباب مسؤولیت مدنی شخص ثالث در موارد ذکر شده است. اصولاً در میان سه رکن لازم برای تحقق مسؤولیت مدنی؛ یعنی فعل زیان‌بار (تقصیر)، رابطه سببیت و ضرر وارد دو مورد اخیر قابلیت احراز

را در مورد نقض غیر قراردادی به سادگی دارد. اما در مورد اول باید این سؤال را مطرح نمود که آیا واقعاً افشای اسرار تجاری یا استفاده رقابتی از آن‌ها می‌تواند تقصیر تلقی گردد یا خیر؟ به نظر می‌رسد اگرچه در نظام حقوقی ما چیزی به نام قواعد انصاف وجود ندارد، اما افشاء و یا استفاده تجاری اسرار تجاری غیر، بدون اذن مالک، خود نوعی تجاوز از رفتار متعارف اجتماعی بوده و می‌تواند نوعی تقصیر تلقی گردد. با رجوع به عرف به راحتی می‌توان این مهم را دریافت و ثالثی را که با افشای سر تجاری از وظیفه اجتماعی خود مبنی بر رازداری تجاوز نموده است، مسؤول قلمداد نمود.

موارد بالا ناظر به موردی است که شخص ثالث از محرمانگی سر تجاری آگاه بوده است. در صورتی که شخص به محرمانگی آگاه نباشد و در عین عدم آگاهی آن‌ها را افشاء نموده و یا از آن‌ها برای منافع تجاری خود استفاده تجاری نموده باشد، به نظر می‌رسد مسؤولیتی متوجه او نمی‌گردد. به این دلیل که در این‌گونه موارد تقصیر شخص ثالث محرز نیست. زیرا فردی که در عین ناآگاهی اسراری را افشاء نموده و یا آن‌ها را مورد استفاده تجاری قرار داده است، نمی‌توان از لحاظ عرفی مقصر دانست و او را مشمول قواعد تسبیب نمود. با این حال در صورتی که شخص ثالث در حال بهره‌برداری تجاری از سر تجاری باشد و مالک سر به او اخطار دهد و او را از محرمانگی آگاه سازد، در این صورت وی مکلف است از تجاری‌سازی دست بردارد. در غیر این صورت، مسؤولیت خواهد داشت. سؤالی که مطرح می‌شود این است که آیا مالک اسرار تجاری می‌تواند از شخص ثالث بابت میزان استفاده‌ای که از سر تجاری برده، خسارت دریافت نماید؟ در پاسخ باید گفت مالک سر تجاری می‌تواند حسب قاعده دارا شدن ناعادلانه یا بلاجهت به میزان استفاده و انتفاعی که شخص ثالث برده است، از او خسارت بگیرد. اما مطالبه آن نه در قالب خسارت، بلکه در قالب عوض میزان منافع استیفاء شده توسط شخص ثالث است؛ زیرا در احراز دارا شدن بلاجهت، تقصیر منتفع شرط نیست و موقعی مطرح می‌شود که عمل مشروع شخص موجب دارا شدن او گردد. در این مورد شخص ثالث با عمل مشروع خود (مشروع است چون ناآگاهی و عدم سوءنیت در تسبیب باعث زوال تقصیر می‌شود)، از سر تجاری غیر، انتفاع برده است. بنابراین حسب قاعده استیفاء که در ماده ۳۳۷ قانون مدنی ذکر شده است، به عنوان مصداقی روشن از قاعده دارا شدن بلاجهت مکلف به پرداخت عوض آن است.^۱

گفتار سوم- ضمانت‌های اجرای مدنی ناشی از نقض غیر قراردادی

در گفتار گذشته انواع نقض غیر قراردادی مورد بررسی قرار گرفت. آن چه در این گفتار مورد بررسی قرار خواهد گرفت، روش‌های جبرانی است که به علت نقض سر تجاری به مالک وارد شده است. همان‌گونه که گفتیم، در نقض قراردادی طرفین ضمانت‌های اجرای نقض را خود پیشی بینی می‌نمایند. اگر این کار را نکرده باشند، قاضی از روش‌های معمول و متداول در حوزه مسؤولیت مدنی برای جبران خسارات وارد به مالک اسرار تجاری استفاده خواهد نمود.

در مسؤولیت مدنی جبران خسارت، اصولاً از طریق برگرداندن وضع زیان‌دیده به صورت پیشین خود و در صورت عدم امکان، از طریق اعطای معادل محقق می‌شود. ۲. اسرار تجاری از این قاعده کلی مستثنی نیست؛ با این حال دو ویژگی دارند که باعث می‌شود جبران خسارت ضررهای وارده به مالک سر تجاری تا حدی متفاوت گردد. اول این که اسرار تجاری مال فکری هستند و حمایت از اموال فکری دارای دو ویژگی محدودیت زمانی و مکانی است و این خود مقتضی حمایتی ویژه از اموال فکری می‌باشد. دوم این که اسرار تجاری ثبت نمی‌شوند و مالک این دسته اموال فکری همانند سایر اموال فکری مستحق حمایت حداکثری از طریق اعطای حقوق انحصاری نمی‌گردد و همین امر جبران خسارت را دو چندان دشوار می‌سازد. در نظام‌های حقوق ملی و حتی بین‌المللی بر عکس سایر اموال فکری نظیر اختراعات، طرح‌های صنعتی و یا علائم تجاری ضمانت اجرای خاصی برای نقض حقوق اسرار تجاری پیش‌بینی نگردیده است؛ گویی قانونگذار خواسته است ضمانت اجرای نقض اسرار تجاری تابع قواعد عمومی باشد. در قوانین موضوعه ایران ضمانت اجرای خاصی برای نقض اسرار تجاری پیش‌بینی نشده است. در نظام حقوق فرانسه و انگلیس هم ضمانت اجرای خاصی در این مورد پیش‌بینی نشده است، اگرچه رویه قضایی در مواردی این خلا را پر نموده است. ماده ۱۰ کنوانسیون پاریس کشورهای عضو را موظف به فراهم نمودن حق قانونی مناسب جهت تعقیب و محکومیت موثر اعمال مندرج در ماده ۹ و ۱۰ و ماده ۱۰ مکرر (در مورد رقابت نامشروع) نموده است و مقرر است، اما دیگر ندارد. در کنوانسیون تریپس، از ماده ۴۱ تا ۶۱ از ضمانت‌های اجرای نقض حقوق مالکیت فکری سخن به میان آورده است، اما مقرره‌ای راجع به اسرار تجاری با ماهیت خاص خود، تدوین ننموده است. در این راستا شیوه جبران خسارت ناشی از نقض اسرار تجاری را با تبعیت از قواعد عمومی پیگیری می‌نماییم.

بند اول- بازگرداندن وضع به حالت پیشین

اولین راه جبران خسارت مدنی تلاش برای بازگرداندن وضع به حالت سابق است. در مورد اسرار تجاری باید اذعان داشت در صورتی که طرف قرارداد سابق (مستخدم) و یا شخص ثالث، اعم از این که آگاه به محرمانگی اسرار تجاری داشته باشد یا خیر، آن را افشاء نموده باشد، دیگر امکان بازگرداندن وضع به حالت پیشین وجود ندارد. زیرا افشای سر تجاری باعث زوال مالکیت

آن و پیوستن آن به سطره مالکیت عمومی می‌شود و امکان اعاده آن به حالت پیشین وجود ندارد. در مورد این که جبران خسارت در این مورد چگونه انجام می‌شود، قانونگذار ما هیچ تصریحی ندارد. انجام اعمالی نظیر انهدام کالاهای تولیدی موضوع اسرار تجاری، بدون تصریح قانونی، ناموجه به نظر می‌رسد. بهترین راه در این مورد دادن معادل است که در بند بعد بررسی می‌گردد.

در صورتی که طرف قرارداد سابق (مستخدم) و یا شخص ثالث، آگاه یا ناآگاه، سر تجاری را افشاء ننموده باشد و از آن صرفاً استفاده تجاری و رقابتی نموده باشد، به نظر می‌رسد که توقف تجاری سازی کالاهای مبتنی بر سر تجاری یا ارائه خدمات مبتنی بر آن، نوعی بازگرداندن وضع به حالت پیشین باشد. با این حال این به معنای عدم جبران خسارت به میزان انتفاع برده شده یا تادیه عوض ناشی از استعمال در صورت ناآگاهی شخص ثالث نیست.

همان‌گونه که ملاحظه گردید، بازگرداندن وضع مالک زیان‌دیده اسرار تجاری به حالت پیشین تنها در یک مورد ممکن است و آن زمانی است که شخص ثالث یا طرف قرارداد پیشین آن را افشاء ننموده و صرفاً استفاده رقابتی نموده باشد. با این حال مواردی دیده می‌شود که امکان بازگرداندن وضع به حالت پیشین، حتی در صورت استفاده تجاری ثالث یا طرف قرارداد سابق وجود ندارد.

در رأی *Service.Inc\ReligiousTechnologyCenter v. Netcome Communication* خواننده با حسن نیت از سر تجاری خواهان استفاده نموده و آن را به هیچ وجه افشاء ننموده بود. دادگاه با توجه به این که شخص ثالث با حسن نیت هزینه‌های زیادی را برای استعمال سر تجاری نموده بود و دستور توقف از انتفاع سبب لطمات زیادی به ثالث می‌گردید، ادامه انتفاع را مجاز دانست و پرداخت مبلغی معادل را به جای دستور توقف مجاز شمرد. در نظام حقوقی ایران به نظر می‌رسد که دادگاه چنین اختیاری نداشته باشد. زیرا، شخص ثالث در هر حال غاصب تلقی می‌گردد و جز در مورد رضایت مالک سر تجاری، ادامه انتفاع امکان‌پذیر نخواهد بود.

بند دوم- جبران خسارت از طریق اعطای معادل

دومین طریق جبران خسارت دادن معادل خسارت وارد در صورت عدم امکان بازگرداندن حال به وضع پیشین می‌باشد. در صورتی که سر تجاری به وسیله طرف قرارداد سابق یا شخص ثالث افشاء شده باشد، بهترین راه، اعطای معادل خواهد بود. قانونگذار ما روش اعطای معادل را در مورد اسرار تجاری مشخص ننموده است. در قوانین کشورهای نظیر انگلستان و فرانسه هم به این مورد اشاره‌ای نشده است. به نظر می‌رسد بهترین راه حلی که می‌توان در این مورد ارائه داد، اعطای معادل به دو روش ذیل است:

روش اول؛ اعطای خسارت به میزان فروش از دست رفته؛ این سخن بدان معناست که افشاء کننده سر تجاری مکلف است کلیه خسارات موجود را به میزان بازار فروش محصولات یا خدمات از دست رفته، بپردازد؛ بنابراین، دادگاه باید در این راستا پیش‌بینی نماید که با افشای سر تجاری به چه اندازه بازار فروش و ارائه کالاها و خدمات مالک اسرار تجاری از بین رفته است.

روش دوم؛ اعطای خسارت معادل هزینه‌های انجام یافته برای تحقیق توسعه اسرار تجاری؛ براساس این روش، افشاء کننده سر تجاری مکلف است خسارتی معادل تمام هزینه‌های تحقیق و توسعه که برای تولید و توسعه سر تجاری انجام شده، بپردازد. به عبارتی دیگر، فرض بر این است که مالک سر تجاری با اخذ تمام وجوه هزینه شده برای تحقیق و توسعه، به خسارت خود دست یافته است.

از میان دو روش ارائه شده، روش دوم منطقی‌تر و معقول‌تر به نظر می‌رسد؛ زیرا روش اول علاوه بر ابهام، دربرگیرنده عدم النفع است. اخذ عدم‌النفع علاوه بر این که موضوع اختلاف است، ظاهراً حسب تبصره ۲ ماده ۵۱۵ قانون آیین دادرسی مدنی غیر قابل پذیرش است، هر چند طبق ماده ۹ قانون آیین دادرسی کیفری، منافع ممکن الحصولی که در روند طبیعی منجر به حصول نفع می‌شود قابل مطالبه دانسته شده است.

روش دوم مبتنی بر این فرض است که مالک سر تجاری با اخذ وجه مذکور به جبران خسارات خود دست یافته است. اما در صورتی که احراز شود تمام ضررهای وارد به او جبران نشده است، می‌تواند حسب قاعده تسبیب برای اخذ میزان مزاد اقامه دعوی نماید.

در بند ۱ ماده ۳۹ کنوانسیون تریپس حمایت از اطلاعات محرمانه مقرر گردیده است. این ماده اطلاعات افشاء نشده را از مصادیق حقوق مالکیت فکری دانسته و کشورها را ملزم کرده است که ضمانت‌های اجرائی لازم برای نقض حقوق اسرار تجاری مثل دستور موقت، منع استفاده، خسارت و تامین دلیل را پیش‌بینی نمایند. در مورد ماده مذکور باید اذعان داشت، گرچه به اصل جبران خسارت نقض اسرار تجاری اشاره نموده، اما تعیین روش‌های جبران خسارت را عهده کشورهای عضو قرار داده است.

در نهایت باید اذعان داشت جبران خسارت از طریق اعطای معادل نه تنها در مورد افشای اسرار تجاری، بلکه در هر موردی جاری است که جبران خسارت از طریق بازگرداندن وضع به حالت پیشین امکان ندارد. لازم به ذکر است طرق جبران خسارت ذکر شده برخی از اندیشه‌های حقوقی است که می‌توانند الگوی قانونگذاری در مورد نقض اسرار تجاری قرار گیرند. در هر شکل اجرائی روش‌های یاد شده در جهت نیل به اهداف کلی جبران خسارت قابل تصور است؛ که اولاً باید به گونه‌ای باشد که تمام خسارات وارد جبران شود و ثانیاً، زیان‌دیده در وضعیتی بهتر از زمان ارتکاب فعل زیان‌بار و ورود زیان قرار نگیرد.

نتیجه‌گیری

۱. فرق اصلی اسرار تجاری با سایر اموال فکری در عدم تعلق حقوق انحصاری به مالک آن می‌باشد؛ لذا حمایت از این اموال باید با دقت بیشتری اعمال شود. این دقت می‌تواند با تعیین ضمانت‌های اجرائی مناسب به ظهور برسد.

۲. پیشنهاد می‌شود برای اسرار تجاری نظام حمایتی مناسبی تدوین گردد که حسب آن راه‌های حمایت و نقض قراردادی و غیرقراردادی به صورتی کامل تدوین شود. اهمیت این امر با توجه به نقش راهبردی اطلاعات در عصر حاضر، دو چندان نمایان‌گر می‌شود.

۳. قواعد عمومی مسئولیت مدنی می‌تواند در حال حاضر پاسخ‌گوی نقصان قواعد حقوقی ناظر بر جبران خسارات اسرار تجاری باشد. با این حال قواعد عمومی مذکور تکافوی جبران خسارت کامل را نمی‌نماید. توسل به ماده ۳ قانون مسئولیت مدنی می‌تواند راهگشا باشد ولی وضع قواعد ویژه و متناسب با ماهیت موضوع از ضرورت خاصی برخوردار است. به موجب ماده ۳ قانون مسئولیت مدنی: «دادگاه میزان زیان و طریقه و کیفیت جبران آن را با توجه به اوضاع و احوال قضیه تعیین خواهد نمود....».

۴. اگرچه قانونگذار ما در مواد ۶۴ و ۷۵ قانون تجارت الکترونیک برای نقض اسرار تجاری الکترونیکی ضمانت‌های اجرائی کیفری تعیین نموده است، اما متعرض ضمانت‌های اجرائی مدنی نشده است؛ گویی خواسته است همان قواعد عام مسئولیت مدنی حکم فرما باشد.

۵. تعیین ضمانت‌های اجرائی کیفری و مدنی برای اسرار تجاری باید در قوانین خاص مالکیت فکری تدوین گردد؛ زیرا ماهیت این دسته از اموال، یعنی فکری بودن و محرمانگی آن‌ها، مقتضی نگاهی ویژه است؛ لذا پیشنهاد می‌گردد که بحث حمایت از اسرار تجاری، در قانون ثبت اختراعات، طرح‌های صنعتی و علائم تجاری مصوب ۱۳۸۶ پیش‌بینی گردد.

منابع و مأخذ

الف: مقررات ملی و بین‌المللی

۱. قانون یک نواخت اسرار تجاری آمریکا مصوب ۱۹۷۹ و اصلاحی ۱۹۸۵.

۲. قانون تجارت الکترونیک مصوب ۱۳۸۲.

۳. قانون مدنی مصوب ۱۳۰۷.

۴. کنوانسیون جنبه های تجاری حقوق مالکیت فکری (تریپس) مصوب ۱۹۹۴.

۵. کنوانسیون پاریس برای حمایت از مالکیت صنعتی مصوب ۱۸۸۳.

ب: منابع فارسی

۶. امامی، اسدالله، حقوق مالکیت صنعتی، جلد دوم، چاپ اول، تهران: انتشارات میزان. ۱۳۹۰

۷. حکمت نیا، محمود، مبانی مالکیت فکری، چاپ دوم، قم: پژوهشگاه فرهنگ و هنر اسلامی. ۱۳۸۷

۸. رحیمی، حبیب الله، استفاده بلاجهت- مطالعه تطبیقی، چاپ اول، تهران: شرکت سهامی انتشار. ۱۳۸۸

۹. رهبری، ابراهیم، حقوق اسرار تجاری، چاپ اول، تهران: انتشارات سمت. ۱۳۸۸

۱۰. شهنیانی، احمد، حمایت های حقوقی از دانش فنی و آثار آن، فصلنامه حقوقی دانشگاه تهران، دوره ۴۱، شماره ۴، ۱۳۹۰

۱۱. صادقی نشاط، امیر، حقوق پدیدآورندگان نرم افزارهای رایانه ای، چاپ دوم، تهران: نشر میزان. ۱۳۸۹

۱۲. کاتوزیان، امیر ناصر، مسئولیت مدنی: قواعد عمومی، ج اول، چاپ هشتم، تهران: انتشارات دانشگاه تهران. ۱۳۸۷

۱۳. کاتوزیان، امیر ناصر، قانون مدنی در نظم حقوقی کنونی، چاپ بیست و سوم، تهران: نشر میزان. ۱۳۸۸

۱۴. لین، شارپ پین، حمایت از اسرار تجاری و توجیه مالکیت فکری، ترجمه افشاری مرتضی، ماهنامه کانون سردفتران و دفترباران، سال هفتم، دوره دوم، ۱۳۸۳

ج: منابع عربی

۱۵. طباطبایی، سید علی، ریاض المسائل، ج دوم، المطبعة الشهید، موسسه آل البیت، قم، ۱۴۰۴ ه. ق

۱۶. الانصاری، شیخ مرتضی، کتاب المکاسب، ج سوم، الطبعه الثانيه، المطبعة شریعه، قم، صفر ۱۴۲۲ ه. ق

۱۷. عاملی، شیخ حر، وسائل الشیعه، (تحصیل وسائل الشیعه الی تحصیل مسائل الشریعه)، ج هشتم، بیروت. بی تا.

۱۸. نرم افزار جامع فقه اهل بیت علیه السلام

د: منابع لاتین

۱۹. Baudlet, H, Trade Secret, Know – how, Confidentiality, Proprietary Information; Available at:

www.translation directory.com/article۲۷۱/html

۲۰. Ben-Atar, Doros(۲۰۰۴), Trade secrets : intellectual piracy and the origins of American industrial power, Yale University press.

۲۱. Bott, Frank & Others(۲۰۰۰), Professional Issues in Software Engineering, Taylor & Francis Publication.

۲۲. Campbell, Denis(۲۰۰۵), International Agency and Distribution Law, USA, Lula press.

۲۳. Chavanne, Burst J(۱۹۹۸), Droit de la Propriété Industrielle, Litec, Dalloz, Français, N. ۶۴۴ et s.

۲۴. Correa, Carlos E(۲۰۰۰), IP and the WTO and Developing Countries, Zed Books, England.

- .٢٥Dean, Robert(٢٠٠٠), The Law of Trade Secrets and Personal Secrets , Law Book co, Australia.
- .٢٦Ezjak, Scott(٢٠٠٩), Protecting Trade secrets through Copyright, Duke Law Journal, V.. ١٩٨٧:٩٨١
- .٢٧Gilbert, Jill(٢٠٠٤), The Entrepreneurs Guide to Patent Copyright, Trademarks, Trade secrets and Licensing, Berkeley Books, USA.
- .٢٨Grop Crucible LI(٢٠٠٠), Le Débat des Semances, V. ٢, IDRC, Français,
- .٢٩Hart, Tina & Fazzani, Linda(٢٠٠٤), Intellectual Property Law, Palgrave Macmillan, England.
- .٣٠Holligan , Mark R & Weyand, Richard F, The Evolution of Trade Secrets Assets; Available at:
www.Thesto.com/info/evolution/html.
- .٣١Hur, Robert K(٢٠٠٠), Taking Trade Secrets and Tobacco Mountain or Molehill?, Stanford Law Review,V. ٥٣, I. ١٤
- .٣٢Nihoul, Paul et Yeraure(٢٠٠٥), Christopher, Code de Droit de la Concurrence, Aspect belge et Europe, Larcier, Français.
- .٣٣Stim, Richard & Fishman, Stephan(٢٠٠١), Non disclosure Agreement Protect your Trade Secrets and More, Nolo, USA.
- .٣٤Torresman, Paul(٢٠٠٥), Intellectual Property Law, Oxford University Press, England .
- .٣٥Womy, Arid P.(٢٠٠٤), Anderson Bussiness Law and the Legal Enviroment, England, Thomson West press.
- و: منابع اينترنتي:
- .٣٦http://www.law.cornell.edu/copyright/cases/٩٠٧_fsupp_١٣٦١.htm.
- .٣٧www.chinaeol.net/lxsd/dt/pp/.٠٨٠٤٢٦
- .٣٨www.thesto.com/info/evolution/html.
- .٣٩http://www.unc.edu/unclng/Kewanee.html.
- .٤٠www.gpo.gov/fdsys/contail.html.